MEJDS. 2019; 9:53.
Published online 2019 Sep. **Research Article**

Compare Big Five personality traits, attachment and self-perception between delinquent and normal adolescents

*Mohammad Moshkani[1], Gholam Ali Afrooz[2]

Author Address
1. PhD Student, Psychology and Education Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;
2. Distinguished Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
***Coressponding Author's Email:** moshkani.moh@gmail.com

Accepted: 2018 June 15; **Received:** 2018 February 19

Abstract

Background & Objective: Among some scientists in this field, there is general agreement that offenders juvenile are often exposed to a kind of social relationship that has its characteristics. Some factors are directly related to delinquency of them including the existence of personality problems, lack of relationship and close links between parents and disorderly condition of the family environment. Therefore, this study aimed to compare big five personality traits, attachment and self–perception between delinquent and normal adolescents.

Methods: This study was a descriptive, causal–comparative study. The statistical population included normal and delinquent adolescents in Gorgan city (North of Iran). The study sample consisted of 120 offenders juvenile and 120 normal male boys who were selected through convenience sampling. Among them, 71 offenders and 71 normal adolescents were selected randomly. To collect data, the Neo characteristics personality questionnaire (1985), Collins and Reid attachment inventory (1996) and Sherer and Mados (1982) self–efficacy scale were used. Data were analyzed by multivariate analysis of variance (MANOVA) using SPSS software and probability values less than 0.05 were considered as statistically significant.

Results: There was a significant difference between the personality traits of delinquent and normal adolescents ($p<0.001$). The findings revealed that adolescent teenagers scored higher in psychosocial subscales than normal adolescents (mean and standard deviation in offenders juvenile were 31.6±6.77 and in normal adolescents were 20.13±4.66). However in the extraversion subscales (mean and standard deviation in delinquent adolescents were 28.14±5.68 in normal adolescents 32.23±3.75), openness to experience (mean and standard deviation in delinquent adolescents was 30.14 ± 8.3 and in normal adolescents 35.28±4.25 agreement), agreeable (mean and standard deviation in delinquent adolescents were 27.74±7.53 and in the adolescents were 34.58±4.18, respectively), and in the variable of duty (mean and deviation The level of adolescents in adolescents was 21.91±6.21 and in normal adolescents 33.74±3.33) had a lower score than the control group ($p<0.001$). Delinquent adolescents in the component of anxiety attachment style had a higher score (mean and standard deviation in delinquent adolescents was 21.98 ± 3.36 and 11.34±2.31 in normal adolescents). Finally, there was a significant difference between the self–efficacy variable in delinquent and normal adolescents in the variable, so that the level of self–efficacy of offenders juvenile was lower than that of adolescents (mean and standard deviation in delinquent adolescents was 34.54±4.69 and in normal adolescents 62.9±4.2) ($p<0.001$).

Conclusion: Personality traits, perceived attachment and self–efficacy are considered as effective psychological factors in the dimension of community–based behaviors. Therefore, attention to the role of parental attachment in childhood and the importance of personality traits can be effective in keeping children and adolescents safe from possible offenses.

Keywords: Juvenile delinquency, Five major factors, Self–efficacy, Perceived attachment.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۸؛ (۹):۵۳.

انتشار برخط شهریورماه ۱۳۹۸ مقاله پژوهشی اصیل

مقایسهٔ پنج عاملی بزرگ شخصیت و دل‌بستگی ادراک‌شده و خودکارآمدی نوجوانان بزهکار و بهنجار

*محمد مشکانی[۱]، غلامعلی افروز[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. استاد ممتاز دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم‌تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** moshkani.moh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۳۰ بهمن۱۳۹۶ ؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۵خرداد۱۳۹۷

چکیده

زمینه و هدف: میان بسیاری از صاحب‌نظران در این زمینه توافق کلی دیده می‌شود که نوجوانان بزهکار اغلب درمعرض آن‌گونه از روابط اجتماعی هستند که از ویژگی‌های آن، وجود مشکل‌های شخصیتی و نبود رابطه و پیوند نزدیک و صمیمانه بین والدین و فرزند و وضع نابسامان محیط خانوادگی است و این عوامل ارتباط مستقیمی با بزهکاری وی دارد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر مقایسهٔ پنج عامل بزرگ شخصیتی و دل‌بستگی ادراک‌شده و خودکارآمدی نوجوانان بزهکار و عادی بود.

روش‌بررسی: روش پژوهش توصیفی از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعهٔ آماری را تمامی نوجوانان پسر عادی و بزهکار شهر گرگان تشکیل دادند. نمونهٔ پژوهش شامل ۱۲۰ نوجوان بزهکار پسر و ۱۲۰ نوجوان عادی پسر بود که به‌شیوهٔ نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و از میان آنان ۷۱ نوجوان بزهکار و ۷۱ نوجوان عادی به‌صورت تصادفی ساده در نظر گرفته شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامهٔ شخصیتی پنج‌عاملی شخصیت نئو (۱۹۸۵) و پرسشنامهٔ دل‌بستگی کولینز و رید (۱۹۹۶) و مقیاس خودکارآمدی شرر و مادوس (۱۹۸۲) استفاده شد. جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، روش تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) با کمک نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۳ به‌کار رفت و مقادیر احتمال کمتر از ۰/۰۵ از نظر آماری معنادار بود.

یافته‌ها: باتوجه به نتایج، بین ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معنادار آماری وجود داشت ($p<۰/۰۰۱$). یافته‌ها مشخص کردند نوجوانان بزهکار درمقایسه با نوجوانان عادی در خرده‌مقیاس‌های روان‌آزردگی نمرهٔ بیشتری کسب کردند؛ اما در خرده‌مقیاس‌های برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و در متغیر وظیفه‌شناسی نمرهٔ کمتری از گروه نوجوانان عادی به‌دست آوردند ($p<۰/۰۰۱$). همچنین نوجوانان بزهکار در مؤلفهٔ سبک دل‌بستگی اضطرابی درمقایسه با نوجوانان عادی دارای نمرهٔ بیشتری بودند. درنهایت بین متغیر خودکارآمدی در نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معناداری مشاهده شد. بدین‌صورت که میزان خودکارآمدی نوجوانان بزهکار کمتر از نوجوانان عادی بود ($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش ویژگی‌های شخصیتی و دل‌بستگی ادراک‌شده و خودکارآمدی ازجمله عوامل روانی مؤثر در بُعد رفتارهای جامعه‌ستیزانه است؛ بنابراین توجه به حوزهٔ دل‌بستگی در دوران کودکی توسط والدین و اهمیت ویژگی‌های شخصیت می‌تواند در ایمن‌نگه‌داشتن کودکان‌ونوجوانان دربرابر جرم‌های احتمالی تأثیرگذار باشد.

کلیدواژه‌ها: بزهکاری نوجوانان، پنج عامل بزرگ شخصیتی، خودکارآمدی، دل‌بستگی ادراک‌شده.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵ ، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

۱ مقدمه

مسئلهٔ بزهکاری[1] و انحراف نوجوانان از دیرباز در جامعهٔ بشری مدنظر دانشمندان بوده و هم‌اکنون نیز از مباحث عمدهٔ بسیاری از آنان است. مروری بر فراوانی جرائم در جهان و در کشورمان، این واقعیت را بیان می‌کند که بزهکاری از مسائل مهم در جامعهٔ ما به‌شمار می‌رود. دلائل احتمالی متعددی با این پدیدهٔ ناگوار اجتماعی ارتباط دارد که ازجملهٔ آن‌ها رویکرد روان‌شناختی است. عنصر شخصیت، از عوامل روان‌شناختی در بزهکاری نوجوانان در مدل‌های مختلف نظری و مطالعات تجربی متعدد (۱) در نظر گرفته شده و توجه خاصی به خلق‌وخو به‌عنوان عامل اساسی بیولوژیکی شده است. ازجمله حوزه‌های مهم شخصیت، پنج عامل بزرگ نئو بوده و ارتباطش با رفتارهای جامعه‌ستیزانه و بزهکارانه و سوءاستفاده از مواد و نیز غفلت تأیید شده است (۲). میلر و لینام در مطالعه‌ای درخصوص استفاده از پرسشنامهٔ پنج عامل بزرگ شخصیتی تجدیدنظرشدهٔ نئو دربارهٔ افراد جامعه‌ستیز و رفتار بزهکار، ابعاد شخصیتی نئو را با رفتار جامعه‌ستیزانه ارزیابی کردند (۳). پژوهش‌ها نشان دادند رفتار ضداجتماعی با توافق‌پذیری[2] (A) و وجدانی‌بودن[3] کم (C) و برون‌گرایی[4] زیاد (E) و ترکیبی از روان‌آزردگی[5] (N) شدید شامل اضطراب، افسردگی، آسیب‌پذیری درمقابل استرس و خودآگاهی ضعیف اما پرخاشگری خصمانه و تکانشگری زیاد، رابطه دارد (۴،۵). مطالعهٔ درفینکو و لینام (۶) با استفاده از پرسشنامهٔ پنج‌عاملی تجدیدنظرشدهٔ نئو و مقیاس خودگزارشی سایکوپاتیک[6] روی ۱۰۰۰ شرکت‌کننده انجام و مشخص شد سایکوپاتی با توافق‌پذیری کم، به‌خصوص خرده‌مقیاس‌های درستکار و بی‌غل‌وغش‌بودن، نوع‌دوستی، اطاعت‌پذیری، رضایت و فروتنی در ارتباط است. افراد سایکوپات نمرهٔ کمی در وجدانی‌بودن (وظیفه‌شناسی) و خرده‌مقیاس‌های خویشتن‌داری اخذ کردند.

در حوزهٔ آسیب‌شناسی روانی پدیدهٔ دل‌بستگی از موضوع‌های بسیار مهم در شناخت بزهکاری است. براساس اصول بالبی روابط عاطفی همیشه موجود بوده و در سراسر چرخهٔ زندگی فعال است؛ به این معنا که سوابق روابط عاطفی کودک با مراقب خود پیامدهای بلندمدتی را ایجاد می‌کند که آثارش تا سنین بزرگسالی مشاهده می‌شود (۷). دل‌بستگی نقش بسزایی در کمک به نوجوانان در برخورد با چالش‌های نوجوانی دارد؛ به‌طوری‌که الگوی دل‌بستگی ناسالم در طی دورهٔ کودکی، مشکل رفتاری و اعمال بزه در نوجوانی به‌وجود می‌آورد (۸). بالبی (۷) بین دل‌بستگی ناایمن و اختلال‌های رفتاری از نوع بزهکاری و رفتار ضداجتماعی در سنین پیش‌دبستانی و دبستانی ارتباط معناداری یافت. مطالعات مختلف نشان داده‌اند بین سبک دل‌بستگی نوجوانان و بروز مشکل‌های رفتاری و بزهکاری در دورهٔ نوجوانی رابطه وجود دارد (۸،۹). لاریت سن نیز در مطالعه‌ای دیگر به بررسی روابط بین پیوندهای عاطفی خانواده و بزهکاری نوجوانان پرداخت. نتایج مشخص کرد نوجوانان دلبسته به والدین خود و آن‌هایی که زمان بیشتری را با خانواده سپری کردند، سطوح کمتری از رفتارهای بزهکارانه را بروز دادند. ازطرف‌دیگر، نوجوانانی که دارای دل‌بستگی ضعیفی با والدین بودند و زمان کمتری را با والدین و خانواده گذرانده، بیشتر درمعرض بزهکاری قرار داشتند (۱۱).

از موضوعات تأمل‌برانگیز دیگر در زمینهٔ روان‌شناختی، مفهوم خودکارآمدی[7] است. یکی از حوزه‌های مهم در روان‌شناسی که تأثیر درخورتوجهی در سلامت روانی و پیشگیری از اختلال‌های روانی در کودکان‌ونوجوانان دارد. بندورا (۱۱) خودکارآمدی را باورهای افراد به توانایی‌شان در بسیج انگیزه‌ها و منابع شناختی و اِعمال کنترل بر رخدادی معین تعریف می‌کند. از نظر بندورا (۱۱) داشتن یا احساس افزایش خودکارآمدی می‌تواند موقعیت تهدیدآمیز را مبدل به موقعیت مطمئن کند. خودکارآمدی ضعیف با طیف گسترده‌ای از مشکل‌ها و اختلال‌ها مانند افسردگی، اختلال اضطراب پس از سانحه، اختلال تغذیه، سوءمصرف مواد، اضطراب، هراس و سازگاری ارتباط دارد (۱۲). در رویارویی با موقعیت‌های نامطلوب و اضطراب‌آور، افراد دارای خودکارآمدی بهتر، می‌توانند بر اندیشهٔ خود کنترل داشته و پایداری بیشتری نشان دهند. همچنین آن‌ها تفکرهای منفی دربارهٔ خود و ناتوانایی‌های خویش را نمی‌پذیرند. خودکارآمدی در یادگیری و پیشرفت نیز مؤثر است. افراد با خودکارآمدی قوی درمقایسه با ضعیف به پیشرفت‌های بیشتری دست می‌یابند. با نگاهی به پیشینهٔ نوجوانان بزهکار مشخص می‌شود در حوزه‌های تحصیلی به‌شدت با مشکل مواجه بوده و این نکته خودگویای خودکارآمدی ضعیف در آنان است. نتایج پژوهشی بندورا و گروهی از پژوهشگران نشان داد کارایی شخصی با پیشرفت تحصیلی و رفتارهای مشکل‌آفرین و بزهکارانه و افسردگی رابطه دارد (۱۱). کول و چان و لیتون (۱۳) در پژوهشی شایستگی‌های تحصیلی، پیشرفت تحصیلی، خودارزشمندی عمومی و توانمندی اجتماعی نوجوانان بزهکار ساکن در مراکز اصلاح و تربیت را درمقایسه با سایر نوجوانان با پیشرفت تحصیلی کم و پیشرفت تحصیلی خوب و دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری ارزیابی کردند. یافته‌ها بیانگر آن بود که نوجوانان بزهکار در همهٔ متغیرها از هر سه گروه دیگر عملکرد ضعیف‌تری داشتند. براساس مطالب بیان‌شده، به‌نظر می‌رسد افزایش وقوع جرائم و بزهکاری در بین نوجوانان، به‌تازگی توجه بیش از پیش را به سبب‌شناسی این مشکل جلب کرده است. صرف‌نظر از اینکه میزان و شدت بزهکاری هر روز بیشتر شود یا بدون تغییر باقی بماند، باید برای از بین‌بردن موقعیت‌های ایجاد جرم، در حد امکان چاره‌ای اندیشید. به‌بیان‌دیگر، بزهکاری امروز نوجوانان می‌تواند عامل جرائم فردای بزرگسالان باشد؛ مگر آنکه برای پیشگیری و جلوگیری از آن اقدام جدی صورت گیرد. به‌منظور شناخت عوامل مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه و پیشگیری از ارتکاب آن‌ها، انجام پژوهش‌های کاربردی در این زمینه ضروری است؛ بنابراین پژوهش حاضر با هدف مطالعهٔ تحلیلی ویژگی‌های مذکور در گروه

1. Delinquency
2. Agreeable
3. Consciousness
4. Extroversion
5. Neuroticism
6. self-Report Psychopathy scale
7. self-efficacy

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

نوجوانان بزهکار و بهنجار صورت گرفت تا مشخص شود ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی و خودکارآمدی نوجوانان بزهکار چگونه است و چه تفاوتی با نوجوانان بهنجار دارد.

۲ روش‌بررسی

روش پژوهش توصیفی از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعهٔ آماری را نوجوانان بزهکار پسر کانون اصلاح و تربیت شهرستان گرگان تشکیل دادند. نمونهٔ پژوهش شامل ۱۲۰ نوجوان بزهکار پسر و ۱۲۰ نوجوان عادی پسر بود که به‌شیوهٔ نمونه‌گیری دردسترس انتخاب و از میان آنان ۷۱ نوجوان بزهکار و ۷۱ نوجوان عادی به‌صورت تصادفی ساده در نظر گرفته شدند. باتوجه به عقیدهٔ دلاور (۱۴) در تحقیقات علی‌مقایسه‌ای حداقل نمونه باید ۳۰ نفر باشد. در این پژوهش جهت افزایش اعتبار بیرونی تحقیق، تعداد در هر زیرگروه ۷۱ نفر بود. اختیاری‌بودن مشارکت در مطالعه، جلب رضایت تمامی شرکت‌کنندگان، هماهنگی با مقام‌ها و مسئولان مربوط و محرمانه‌ماندن اطلاعات جمع‌آوری‌شده از ملاحظات اخلاقی مهم‌تر در این تحقیق بود. پس از اطمینان از حضور داوطلبانهٔ مددجویان کانون، پرسشنامه‌ها با حضور مشاور تکمیل و بدون اسم تحویل داده شد.

برای جمع‌آوری داده‌ها از ابزار زیر استفاده شد.

-پرسشنامهٔ پنج‌عاملی نئو فرم کوتاه: این پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت یعنی برون‌گرایی، روان‌آزردگی، توافق‌پذیری، گشودگی به تجربه و وجدانی‌بودن (وظیفه‌شناسی) به‌کار می‌رود. هریک از عوامل ۱۲ سؤال دارد. پاسخ‌نامه براساس مقیاس لیکرت تنظیم شده است. نمره‌گذاری عامل‌ها برخی به‌صورت مستقیم و بعضی دیگر به‌شکل معکوس بوده و از صفر تا چهار نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهشی همبستگی موجود بین ابعاد اصلی را در دو فرم NEO-FFI و NEO-PI-R، بین۰/۸۷ تا۰/۹۳ گزارش کردند (۱۵). ضرایب آلفای کرونباخ در هریک از عوامل اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن، سازگاری و باوجدانی به‌ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۳، ۰/۵۶، ۰/۶۸ و ۰/۸۷ به‌دست آمد. در ایران انیسی و همکاران در بررسی اعتبار و روایی فرم کوتاه پرسشنامهٔ پنج عاملی نئو در دانشجویان، آلفای کرونباخ مؤلفهٔ با وجدان‌بودن و روان‌آزرده‌گرایی را به‌ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۸۰ و ویژگی شخصیتی توافق و برون‌گرایی را به‌ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۵۸ بیان کردند؛ اما در پژوهش آن‌ها ویژگی گشودگی ۰/۳۹ و فاقد همسانی پذیرفتنی بود (۱۶).

ـ پرسشنامهٔ دل‌بستگی[1] کالینز و رید[2]: مقیاس دل‌بستگی ابتدا در سال ۱۹۹۰ توسط کالینز و رید تهیه و در سال ۱۹۹۶ بازنگری شد. مبنای نظری این آزمون، نظریهٔ دل‌بستگی است. مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان چگونگی ارزیابی فرد را از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطهٔ صمیمانه وی بررسی می‌کند. این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوهٔ شکل‌دهی روابط دل‌بستگی درقبال انگاره‌های دل‌بستگی نزدیک است. همچنین مشتمل بر ۱۸ ماده بوده و ازطریق علامت‌گذاری بر مقیاس پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت و نمرات از یک تا چهار سنجیده می‌شود. نتایج تحلیل عاملی، سه زیرمقیاس را در این پرسشنامه نشان می‌دهد: ۱. وابستگی: میزانی که اطمینان و اعتماد و تکیه‌کردن آزمودنی را به دیگران می‌سنجد؛ ۲. نزدیک‌بودن: مقدار آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه می‌گیرد؛ ۳. اضطراب: میزان نگرانی فرد از طرد شدن را ارزیابی می‌کند (۱۷). کولینز و رید مقادیر آلفای کرونباخ را بیش از ۰/۸۰ گزارش کردند. در ایران مقدار قابلیت اعتماد با استفاده از روش دو بار آزمون به‌شکل همبستگی بین دو اجرا روی نمونه‌ای با حجم ۱۰۰ نفر صورت گرفت. نتایج حاصل از دو بار اجرای پرسشنامه با فاصلهٔ زمانی یک‌ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که تفاوت بین دو اجرای مقیاس‌ها (وابستگی و نزدیکی و اضطراب) معنادار نبوده و این آزمون در سطح ۹۵درصد مطمئن است (۱۷). با استفاده از محاسبهٔ آلفای کرونباخ مشخص شد زیرمقیاس اضطراب، قابلیت اعتماد بیشتر (۰/۷۴) و وابستگی قابلیت اعتماد کمتر (۰/۲۸) را دارد و قابلیت اعتماد زیرمقیاس نزدیکی نیز در حد متوسط (۰/۵۲) بوده که نتایج با بررسی ازطریق بازآزمایی هماهنگ بوده است. ضریب اعتبار این پرسشنامه با به‌کارگیری شیوهٔ بازآزمایی بر ۱۰۵ دختر و پسر در شهر تهران ۰/۹۷ محاسبه شد (۱۷).

ـ مقیاس خودکارآمدی شرر و مادوس: این مقیاس را در سال ۱۹۸۲ شرر و مادوس تهیه کردند. شامل ۲۳ سؤال بوده که ۱۷ سؤال آن سلامت عمومی را می‌سنجد و ۶ سؤال دیگر مربوط به تجربیات خودکارآمدی در موقعیت‌های اجتماعی است. مقیاس مذکور سه جنبه از رفتار را شامل میل به آغازگری رفتار و میل به گسترش تلاش برای کامل‌کردن تکلیف و تفاوت در رویارویی با موانع، اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری مقیاس براساس مقیاس لیکرت است. به هر ماده یک تا پنج امتیاز تعلق می‌گیرد و ماده‌های ۱۵،۱۳،۹،۸،۳ از چپ به راست نمره‌هایشان افزایش می‌یابد. بختیاری براتی به‌منظور بررسی پایایی مقیاس خودکارآمدی از روش دونیمه‌کردن استفاده کرد. ضریب پایایی ازطریق اسپیرمن ـ براون ۰/۷۶ و از روش دونیمه‌کردن گاتمن، ۰/۷۵ به‌دست آمد. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سؤال‌ها برابر ۰/۷۹ بوده که در تحقیق مذکور رضایت‌بخش ارزیابی شد (۱۸).

داده‌های جمع‌آوری‌شده با استفاده از روش آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف معیار و آزمون‌های کولموگروف‌اسمیرنف و شاپیرو ـ ویلک جهت بررسی فرض همسانی واریانس‌ها و نیز آمار استنباطی چون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا)، باکمک نرم‌افزار SPSS نسخهٔ ۲۳ تجزیه‌وتحلیل شدند. مقادیر احتمال کمتر از ۰/۰۵ نیز از لحاظ آماری معنادار در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

افراد شرکت‌کننده در این پژوهش دامنهٔ سنی ۱۴تا۱۸ سال داشتند. میانگین سنی و انحراف معیار برای نوجوانان عادی به‌ترتیب ۱/۵۵±۱۵/۷۸ و برای نوجوانان بزهکار ۱/۵۳±۱۶/۰۰ بود. جهت بررسی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا)، ابتدا

[1]. Revised attachment scale

[2]. Collins & Read

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

پیش‌فرض‌های مرتبط با آمار پارامتریک و تحلیل واریانس چندمتغیره (مانوا) ارزیابی شد. نتایج آزمون‌های کولموگروف‌اسمیرنف و شاپیرو- ویلک بیانگر نرمال‌بودن توزیع متغیرهای پنج‌عاملی بزرگ شخصیت (p=۰/۱۲۳) و دل‌بستگی ادراک‌شده (p=۰/۰۹۹) و خودکارآمدی (p=۰/۰۶۴) نوجوانان بزهکار و بهنجار بود.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش به‌تفکیک گروه‌ها

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	مقدار احتمال
روان‌رنجورخویی	بزهکار	۳۱/۶	۶/۷۷	<۰/۰۰۱
	عادی	۲۰/۱۳	۴/۶۶	
برون‌گرایی	بزهکار	۲۸/۱۴	۵/۶۸	<۰/۰۰۱
	عادی	۳۲/۳۲	۳/۷۵	
گشودگی	بزهکار	۳۰/۱۴	۸/۳۱	<۰/۰۰۱
	عادی	۳۵/۲۸	۴/۲۵	
توافق	بزهکار	۲۷/۷۴	۷/۵۳	<۰/۰۰۱
	عادی	۳۴/۵۸	۴/۱۸	
وظیفه‌شناسی	بزهکار	۲۱/۹۱	۶/۲۱	<۰/۰۰۱
	عادی	۳۳/۷۴	۳/۳	
نزدیکی	بزهکار	۱۲/۷۵	۲/۹۴	۰/۰۰۵
	عادی	۲۲/۷۵	۲/۹۷	
وابستگی	بزهکار	۱۰/۳۴	۲/۲۵	<۰/۰۰۱
	عادی	۲۱/۶۱	۳/۶۹	
اضطراب	بزهکار	۲۱/۹۸	۳/۳۶	۰/۰۰۵
	عادی	۱۱/۳۴	۲/۳۱	
خودکارآمدی	بزهکار	۳۴/۵۴	۴/۶۹	<۰/۰۰۱
	عادی	۶۲/۹	۴/۲۳	

همان‌طورکه در جدول ۱ مشاهده می‌شود در متغیر ویژگی‌های شخصیتی در مؤلفهٔ روان‌رنجورخویی میان نوجوان بزهکار و نوجوانان عادی تفاوت معناداری وجود دارد (p<۰/۰۰۱)؛ بدین‌ترتیب که نوجوانان بزهکار درمقایسه با نوجوانان عادی نمرهٔ بیشتری کسب کردند و در سایر مؤلفه‌ها (برون‌گرایی، گشودگی، توافق، وظیفه‌شناسی) نوجوانان عادی درمقایسه با نوجوانان بزهکار دارای نمرهٔ بیشتری بودند (p<۰/۰۵). همچنین در مؤلفه‌های سبک دل‌بستگی وابستگی و اضطرابی، نوجوانان بزهکار درمقایسه با نوجوانان عادی نمرهٔ بیشتری به‌دست آوردند (p<۰/۰۰۱). درنهایت بین متغیر خودکارآمدی میان نوجوانان بزهکار و عادی تفاوت معناداری ملاحظه شد؛ بدین‌معنا که میزان خودکارآمدی نوجوانان بزهکار کمتر از نوجوانان عادی بوده است (p<۰/۰۰۱).

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر، مطالعهٔ تحلیلی ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های دل‌بستگی و خودکارآمدی نوجوانان بزهکار بود. مقایسه بین دو گروه در پنج مشخصه نشان داد در صفت روان‌آزردگی بین گروه بزهکار و عادی تفاوت معناداری وجود داشته و گروه بزهکار مقدار بیشتری از این ویژگی را دارا بود. در برون‌گرایی، گشودگی به تجربه، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی بین گروه بزهکار و عادی تفاوت معناداری مشاهده شد و گروه عادی میزان بیشتری از این ویژگی را داشت. نتیجهٔ تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های میبر و همکاران (۵) و درفینکو و همکاران (۶) همسو و با تحقیقات جانی (۱۹) ناهمسوست. در مطالعات مذکور محققان به این نتیجه رسیدند که توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن (وظیفه‌شناسی) در نوجوانان بزهکار ضعیف است. همچنین در گشودگی به تجربه و برون‌گرایی، نوجوانان با رفتار جامعه‌ستیزانه و بزهکارانه نمرهٔ تقریباً کم و در مقیاس روان‌آزردگی نمرات بیشتری کسب می‌کنند. در تبیین نتیجه، توجه به زیرمقیاس‌ها تأمل‌برانگیز است. در زیرمقیاس روان‌آزردگی، خشم و خصومت، ترحم‌جویی، خودآگاهی، اضطراب، آسیب‌پذیری و تکانشگری وجود دارد. افراد با نمرهٔ بیشتر در روان‌آزردگی، مستعد داشتن عقاید غیرمنطقی و کمتر قادر به کنترل تکانه‌های خود هستند و خیلی ضعیف‌تر از دیگران با اضطراب کنار می‌آیند؛ بنابراین طبق پژوهش‌های پیشین نوجوانان بزهکار اضطراب شدیدی را بیان کردند. مک کرا و کوستا (۲۰) عقیده دارند روان‌آزردگی در مجرمان کم است. این گفته صحیح است؛ اما نه برای بزهکاران نوجوان بلکه برای بزرگسالان. جانی (۱۹) نشان داد نمایهٔ رفتارهای جامعه‌ستیزانهٔ بزرگسالان شامل ارتباط منفی همهٔ ابعاد مقیاس با روان‌آزردگی می‌شود که به‌طور ویژه و محسوس دربرگیرندهٔ اضطراب و خودآگاهی و آسیب‌پذیری است. یعنی بزرگسال ضداجتماع به‌طورنسبی از نگرانی و شرم و اضطراب ایمن است؛ ولی این پدیده در بزهکاران نوجوان دیده نمی‌شود. به‌عبارتی این افراد دست‌کم، واکنش‌های اضطراب

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

متوسطی را گزارش می‌دهند. توافق‌پذیری به ارتباط بین‌فردی و راهبردها، مربوط می‌شود. افراد دارای توافق‌پذیری خوب، تمایل به اعتمادکردن و درستکاری و بی‌غل‌وغش‌بودن و نیز همدل‌بودن دارند؛ درحالی‌که اشخاصی که نمرهٔ کم در این خرده‌مقیاس می‌گیرند، فریبکار، خودپسند و متکبر، بی‌رحم و سنگدل، مخالف و منتقد و زودرنج و تندخو هستند. در بُعد وجدانی‌بودن نمرهٔ کم، بی‌مبالاتی، تنبلی، بی‌انضباطی، بی‌توجه‌بودن به زمان، بی‌هدفی و سست و متزلزل‌بودن را نشان می‌دهد؛ بنابراین باتوجه به این نکات، پژوهش‌ها هم‌نظر باهم مشخص کردند دو بُعد اساسی توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن به‌طور قدرتمندی با بزهکاری همراه است. در زیرمقیاس گشودگی به تجربه، نمرهٔ کم بیانگر واقع‌بین به‌جای تخیلی، غیرخلاق، علاقه به فعالیت‌های روزمره و کاملاً عرفی و سنتی، غیرعلاقمند و محافظه‌کار است. برای زیرمقیاس برون‌گرایی نیز نمرهٔ کم، خودداربودن، تنهایی، ساکت و آرام منفعل و بی‌احساسی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در زیرمقیاس‌ها ملاحظه می‌شود و پژوهش‌ها بیان می‌کنند، نوجوانان بزهکار به‌علت تهور، شجاعت و جسارت زیاد، تکانشگری، فریبکاری و تقلب، اضطراب، سطوح ضعیف اجتماع‌پذیری، اختلال شخصیت اجتنابی، مشکلات انضباطی در مدرسه، اخراج از مدرسه، سبک بین‌فردی سطحی، دل‌بستگی ناایمن، سبک تربیتی مستبدانه و تنبیه‌گرانه، مهارت‌های اجتماعی و ارزشمندی ضعیف و کم‌محبتی و بی‌محبتی از سوی والدین، سبک‌های شخصیتی متفاوتی از افراد اجتماع را تجربه می‌کنند. این خود باعث بروز تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی می‌شود که در تقابل بین خلق‌وخوی و وراثت و تربیت خانوادگی است (۱۰،۱۵). همچنین، باتوجه به مقدار احتمال به‌دست‌آمده از آزمون خی‌دو نتایج مشخص کرد بین سبک‌های دل‌بستگی گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، افراد بهنجار دارای سبک ایمن و افراد بزهکار دارای سبک اضطرابی هستند. نتیجهٔ حاصل با نتایج پژوهش لاریستون و همکاران (۱۰) همسوست.

طبق نظر پژوهشگران، بزهکاری از اختلال‌هایی است که در حوزهٔ آسیب‌شناسی آن، چند عامل مطرح می‌شود. بسیاری از محققان به عواملی نظیر اختلال‌های روانی والدین، سن والدین، متارکه، طلاق و ازدواج مجدد والدین، ناپدری و نامادری و سبک تربیتی مستبدانه اشاره کردند که همهٔ عوامل مذکور با دل‌بستگی رابطهٔ معناداری دارد (۱۰). بالبی می‌گوید افرادی که از روابط مادرانه به‌علت طلاق یا متارکه در خانواده محروم بوده، با صفت بی‌عاطفه مواجه‌اند؛ یعنی نمی‌توانند روابط عاطفی و نزدیک و معنادار با دیگران برقرار کنند. هرچه این اتفاق در سن کمتری برای کودک رخ دهد مشکل‌های دل‌بستگی شدیدتر و ناایمن‌تر و در ادامه رفتارهای جامعه‌ستیزانه بیشتر خواهد شد. پژوهش صورت‌گرفته بر پسران متولدشده در نیوکسل بریتانیا، نشان داد پسرانی که والدینشان در پنج سال اول زندگی طلاق گرفته یا از هم جدا شدند، به‌خصوص در حد نوجوانی، سه برابر بیشتر درمعرض رفتار بزهکارانه و جامعه‌ستیزانه قرار دارند (۷).

براساس نتایج به‌دست‌آمده، بین خودکارآمدی گروه بزهکار و عادی تفاوت معناداری مشاهده می‌شود. به‌عبارت‌دیگر مقایسه بین میانگین خودکارآمدی بین دو گروه نوجوانان بزهکار و عادی مشخص می‌کند گروه نوجوانان عادی از خودکارآمدی بیشتری برخوردار است. نتیجهٔ این تحقیق با نتایج پژوهش‌های کول و همکاران (۱۳) و بندورا و همکاران (۱۵) همسوست. مطالعات نشان دادند بین ویژگی‌های شخصیتی و خودکارآمدی رابطه وجود دارد. روان‌آزردگی پیش‌بینی‌کنندهٔ قدرتمندی برای نبود خودکارآمدی است؛ درحالی‌که برون‌گرایی و وظیفه‌شناسی (وجدانی‌بودن) پیش‌بینی‌کنندهٔ مثبت خودکارآمدی هستند (۱۵). در سؤال اول پژوهش حاضر یافته‌ها بیان کرد نوجوانان بزهکار در بُعد روان‌آزردگی نمرهٔ بیشتری، اخذ کردند؛ درحالی‌که در ابعاد وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی، توافق‌پذیری و گشودگی به تجربه دارای نمرهٔ کمتری بودند؛ بنابراین باتوجه به پژوهش‌های پیشین میزان خودکارآمدی در این نوجوانان ضعیف‌تراست. همچنین باورهای خودکارآمدی بر طرز تفکر افراد در چگونگی رویارویی با مشکلات، سلامت هیجانی، تصمیم‌گیری، مقابله با اضطراب و افسردگی، انتخاب اهداف و دسترسی به آن‌ها تأثیر می‌گذارد. افراد دارای خودکارآمدی ضعیف، به‌جای برخورد با موانع از آن اجتناب می‌کنند و دست از تلاش برمی‌دارند. مقاومت و پایداری چندانی نیز از خود نشان نمی‌دهند و در مواجهه با مسائل و مشکلات به‌طور واقع‌بینانه برخورد نمی‌کنند. افرادی که به‌طور غیرواقع‌بینانه معیارهای عالی را برای خود برمی‌گزینند و انتظارهای رفتاری را در الگوهای خیلی موفق مشاهده کرده و از آن یاد می‌گیرند و نیز سعی داشته این انتظارهای بسیار بزرگ را برخلاف توانایی خویش برآورده سازند، با شکست پی‌درپی مواجه شده و این شکست احساس بی‌ارزشی و افسردگی را به‌دنبال دارد. احساس خودکارآمدی ضعیف با سطح شدید اضطراب و روان‌آزردگی و نشانه‌های افسردگی مرتبط است. افراد دارای نمرهٔ بیشتر در خودکارآمدی، درمقایسه باکسانی که نمرهٔ کمتری گرفتند، در علاقهٔ اجتماعی و میل به تلاش برای برتری و احساس تعلق‌پذیری نیز نمرهٔ بیشتری کسب کردند؛ بنابراین باز هم این نتیجه سندی بر ضعیف‌بودن خودکارآمدی در بزهکاران است؛ چراکه طبق پژوهش‌های پیشین این افراد میزان زیادی از شکست تحصیلی و اضطراب و افسردگی را نشان دادند (۲۱).

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش به‌نظر می‌رسد ویژگی‌های شخصیتی و دل‌بستگی ادراک‌شده و خودکارآمدی ازجمله عوامل روانی مؤثر در بُعد رفتارهای جامعه‌ستیزانه است؛ بنابراین توجه به حوزهٔ دل‌بستگی در دوران کودکی توسط والدین و اهمیت ویژگی‌های شخصیت می‌تواند در ایمن‌نگه‌داشتن کودکان‌ونوجوانان دربرابر جرم‌های احتمالی مؤثر باشد.

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]

References

1. Amodio DM, Master SL, Yee CM, Taylor SE. Neurocognitive components of the behavioral inhibition and activation systems: Implications for theories of self-regulation. Psychophysiology. 2008;45(1):11-19. doi:10.1111/j.1469-8986.2007.00609.x
2. Flory K, Lyman D, Milich R, Lakefield C, Clayton R. The relation among personality, symptoms of alcohol and marijuana abuse, and symptoms of comorbid psychopathology: Result From a community sample. Exp Clin Psychopharmacol. 2002;10(4):425-34. doi:10.1037/1064-1297.10.4.425
3. Miller JD, Lynam DR. Psychopathy and the five-factor model of personality: a replication and extension. J Pers Assess. 2003;81(2):168-78. doi: 10.1207/S15327752JPA8102_08
4. Bachara A. Decision making, impulse control and loss of willpower to resist drugs: A neurocognitive perspective. Nat Neurosci. 2005;8(11):1458-63. doi:10.1038/nn1584
5. Meier BP, Robinson MD, Wilkowski BM. Turning the other cheek: Agreeableness and the regulation of aggression-related primes. Psychol Sci. 2006;17(2):136-42. doi:10.1111/j.1467-9280.2006.01676.x
6. Derefinko JJ, Lyman DR. Convergence and divergence among self-report psychopathy measures: A personality-based approach. J Pers Disord. 2006;20(3):261-80. doi:10.1521/pedi.2006.20.3.261
7. Hardt J, Dragan M, Schultz S, Engfer A. Parent-child relationships in poland and germany: a retrospective study. In: Bowlby J. Attachment and Loss. Second edition. New York, USA: Basic books; 1973, pp: 57-61.\
8. Cassidy J, Shaver PR. Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications. Thired edition. New York, USA: Guilford Press; 2008, pp: 101-4.
9. Mashhadi A, Mohammadi M. Comparison of attachment styles in normal and delinquent adolescents. Studies in Education and Psychology. 2009;10(3):127-40. [Persian]
10. Lauritsen JL. Sibling resemblance in juvenile delinquency: findings from the national youth survey. Criminology. 1993;31(3):387-409. doi: 10.1111/j.1745-9125.1993.tb01135.x
11. Bandura A. Self-efficacy: The exercise of control. First edition. New York, USA: Freeman; 1997, pp: 179-81.
12. Alizadeh M, Abedi AR, Khanjani M. Improving the self-steem and self-efficacy among juveniles. Ravanshenasan-Iran Publication. 2009;4(15):245-52. [Persian]
13. Cole PG, Chan LKS, Lytton L. Perceived competence of juvenile delinquents and nondelinquents. J Spec Educ. 1989;23(3):294-302. doi:10.1177/002246698902300305
14. Delaware A. Research methods in psychology and educational sciences. Fourth edition. Tehran, Iran: Arasbaran Publishing House; 2017,pp: 99. [Persian]
15. González Gutiérrez JL, Jiménez BM, Hernández EG, Puente CP. Personality and subjective well- being: big five correlates and demographic variable. Pers Individ Dif. 2005;38(7):1561-9. doi:10.1016/j.paid.2004.09.015
16. Anisi J, Majdian M, Joshanloo M, Gohari-kamel Z. Validity and reliability of NEO five-factor inventory (NEO-FFI) on university students. Journal of Behavioral Sciences. 2012;5(4):351-6. [Persian]
17. Pakdaman S. The relationship between attachment and community seeking in adolescents [PhD dissertation in psychology]. [Tehran, Iran]: College of psychology and education science, Tehran University; 2002, pp: 102-10. [Persian]
18. Bakhtiari Barati S. Investigated relationship between self-efficacy, self-esteem, self-discovery, and academic performance in secondary students in the third year of the new system in Ahvaz city [MA dissertation in psychology]. [Ahvaz, Iran]: College of psychology and education science, Ahvaz University; 1997, pp: 71-9. [Persian]
19. Jani N. Comparative study of personality of juvenile delinquent and normal children. International Journal of Research in Social Sciences and Humanities. 2012;2(4).
20. Costa Jr PT, McCrae RR. Four ways five factors are basic. Pers Individ Dif. 1992;13(6):653-65. doi:10.1016/0191-8869(92)90236-I
21. Najafi M, Foolad Chang M. Association between self-efficacy and mental health of high school studens . Danshvar Raftar. 2007;14(22):69-82. [Persian]

[Downloaded from www.jdisabilstud.org on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1398.9.0.37.9]